



«زن بی حس ظن» در گالری بهارک

نمایشگاهی از مجموعه عکس‌های مریم قهرمانی‌زاده با عنوان «زن بی‌حس ظن» در نگارخانه بهارک برگزار شده است. این مجموعه شامل ۱۳ اثر است که از فرم و رنگ شروع می‌شود و به دیدن آن نادرینی می‌انجامد: «حس زن بودن» عکس‌های این مجموعه توسط سیامک زمردی‌مطلق انتخاب شده‌اند.



نمایشگاه «رهاتر از باد در آسمان دریا» سپیده یاری در گالری فردا

سپیده یاری، هنرمند نقاشی که آثارش در بسیاری از گالری‌های معتبر خارجی به نمایش درآمده است یکی از بهترین مجموعه‌های انتزاعی و فیگوراتیو خود را در نمایشگاهی با عنوان «رهاتر از باد در آسمان دریا» در گالری فردا به نمایش آورده است. در این نمایشگاه بیش از ۲۰ اثر از این هنرمند به نمایش درآمده است.



«نوشنوش» در فرهنگسرای نیاوران

نمایشگاه آثار خوشنویسی شمس‌الدین مرادی، از جمعه چهارم اسفندماه در گالری شماره ۲ فرهنگسرای نیاوران به نمایش در آمده است. شمس‌الدین مرادی، در محضر اساتیدی چون بازیار، صندوق آبادی، حیدری و کابلی تعلیم یافته است. این هنرمند تاکنون در نمایشگاه‌های متعدد داخلی و خارجی حضور داشته است.



آغاز جشن «تصویری‌ها» در خانه هنرمندان

گالری‌های خانه هنرمندان ایران از عصر دوم اسفندماه میزبان نمایشگاه‌های «تصویر سال» است و سالن‌های «شهناز» و «ناصری» این مکان، اکران‌کننده فیلم «فیلم‌تصویر» شده‌اند. در جریان این رویداد، گالری «بهار» به بخش «نگاهی دیگر» و گالری «تابستان» به مجموعه عکس‌های «هنر و هنرمندان» اختصاص پیدا کرده است.



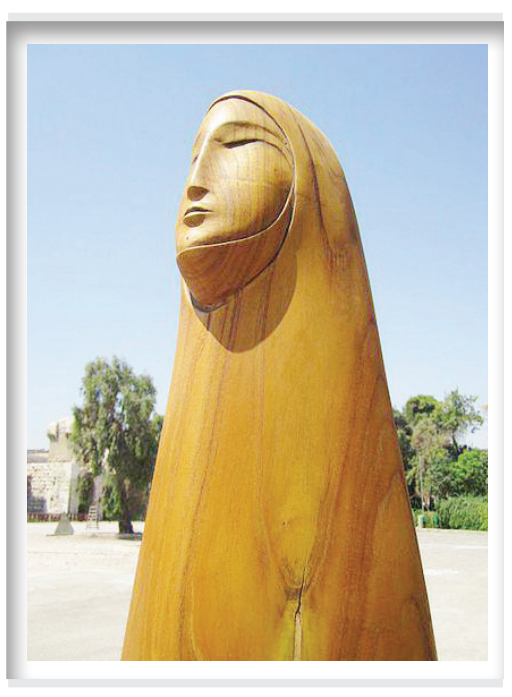
افشین حیدری
روزنامه‌نگار

اسم وی را نشنیده باشد. عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران، گروه تجسمی حوزه هنری، هیات‌مدیره انجمن مجسمه‌سازان ایران، طراحی و ساخت تندیس‌های جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، تندیس مطایلتاثر جشنواره فجر، دو سالانه عکاسی، دو سالانه گرافیک، اولین دو سالانه مطبوعات و بسیاری دیگر تنها بخشی از فعالیت‌های این هنرمند چیره‌دست در مجسمه‌سازی است. این هنرمند ۶۳ ساله که بیش از نیمی از عمر خود را برای اعتلای این هنر گذاشته است همواره بر توجه به هنرمندان نامدار گذشته تاکید دارد و معتقد است باید بررسی کرد چرا دیگر از خیلی از اساتید خبری نیست و به آنها رجوع نمی‌شود. خیلی از هنرمندان ما نیاز هست تا به آنها رجوع شود تا بتوان از هنر آنها بهره برد. اینها سرمایه‌های هنر کشور هستند و نباید خاک بخورند. گفت‌وگو با این هنرمند که در دوران کهنسالی، همچنان مانند جوانی به فعالیت‌های هنری خود می‌پردازد، بسیار دوست‌داشتنی و در عین حال نغز است که حاصل آن را می‌خوانید:

ساخت پرتره در هنر مجسمه‌سازی چه جایگاهی دارد و می‌خواستم بدانم تا الان چه تعداد پرتره مشاهیر را کار کرده‌اید؟

در سال‌های اخیر ما مجسمه‌سازانی داشته‌ایم که به واقع در ساخت پرتره و هایپرئال از تبحر و چیرگی خاصی برخوردار بوده‌اند. بدون شک پرتره‌سازی یک حرفه کاملاً مستقل و نیازمند تبحر و تجربه خاصی است که مجسمه‌ساز باید سالیان سال در این زمینه کسب تجربه کند تا موفق شود و حرفی برای گفتن داشته باشد. در مورد تعداد پرتره‌هایی که تا الان کار کرده‌ام باید بگویم بیشتر بر حسب سفارش کار بوده و غیر از این کمتر به صورت شخصی پروژه‌ای را انجام داده‌ام. تاکنون مجسمه‌های شهید شاطری نصب شده در لبنان و مجسمه بهزاد هنرمند نقاش نصب شده در کیش را کار کرده‌ام. باید بگویم هر چقدر پرتره‌های شخصیت‌ها و مشاهیر کهن و معاصرمان را کار کنیم باز کم است. ما نیاز داریم تندیس‌ها و مجسمه‌های آنها را در مکان‌های عمومی و معابر نصب کنیم تا مردم بیشتر با آنها آشنا شوند. چه بسا در سال‌های اخیر نیمه‌ته‌های بسیاری از مشاهیر کشورمان را ساخته‌ایم.

چقدر سعی می‌کنید در سفارش‌های مجسمه‌سازی از جهان‌بینی و نگرش خودتان در کار استفاده کنید؟
در کارهایی که انجام می‌دهم بیشتر دوست دارم منبعث از اندیشه، فرهنگ و تمدن خودم باشد و هر کاری که تا الان انجام داده‌ام، بیشتر در این زمینه بوده است. مگر اینکه موضوع خاصی باشد که کارفرما بخواهد براساس خواسته‌وی طرحی را اعمال کنم که در این صورت نیز باز سعی می‌کنم آنجا که ممکن است، به وی راهنمایی دهم. همیشه در سمپوزیوم‌هایی که به‌عنوان کارفرما حاضر هستم، سعی می‌کنم به هنرمندان حاضر در آن هیچ جهت‌دهی ندهم و اجازه دهم هر کاری را که دوست دارند انجام دهند. مطمئناً نگاهی که من به یک موضوع واحد دارم با شخص دیگری متفاوت است.



این شناخت‌های متفاوت به شرایط بسیاری از جمله موقعیت فرهنگی، جغرافیایی، تربیتی و... بستگی دارد که هنرمند در آن پرورش یافته و سخت است بخواهیم روی آنها تأثیر بگذاریم.

شهرداری به‌عنوان عامل زیباسازی شهر چقدر توانسته از هنر مجسمه‌سازی در آرایش شهر استفاده کند و تعامل او با طیف گسترده هنرمندان این عرصه چگونه است؟

تجربه همکاری‌های زیادی را به‌عنوان مشاور با شهرداری داشته‌ام. حتی کارهای بسیاری را برای مجموعه شهرداری انجام داده‌ام که در اماکن عمومی نصب شده است. شهرداری به‌عنوان عامل زیباسازی شهر تهران سفارش زیادی را در ساخت آثار ارائه داده و تقریباً حمایت‌های خوبی را از جامعه هنرمندان انجام می‌دهد. یک نکته دیگری که باید به آن توجه داشت اینکه هنرمندان شاخصی را داریم که در سال‌های اخیر آنطور که باید به آنها رجوع نشده است. باید سعی کرد در سفارش دادن آثار فقط با حلقه محدودی از افراد کار نکنیم بلکه به سراغ هنرمندان مطرح گذشته هم برویم و از آنها نیز بهره ببریم. باید بررسی کرد چرا دیگر از خیلی اساتید خبری نیست و به آنها رجوع نمی‌شود. چرا مثلاً ابوالحسن خان صدیقی که از مجسمه‌سازان نامی کشور و از شاگردان کمال‌الملک بوده و مجسمه‌های مشاهیری چون خيام، فردوسی، بوعلی سینا و سعدی را کار کرده در تهران به تعداد انگشتان دست اثر ندارد. نیاز است ما به خیلی از هنرمندان رجوع کنیم و از هنر آنها بهره ببریم. اینها سرمایه‌های هنر کشور هستند و نباید خاک بخورند. بنابراین هر چقدر به آنها سفارش کار دهیم از هنر و هنرمند اصیل ایرانی حمایت کرده‌ایم. به نظر من هنرمندان که الان در دوران میان‌سالی و کهنسالی خود هستند جزء سرمایه‌های هنری مملکتند که باید فرصتی را برای آنها فراهم کرد تا تجربیات خود را به صورت تئوریک یا با تولید اثر در جامعه انتشار دهند. از این منظر شهرداری یا سازمان‌های دیگر می‌توانند با استفاده از گروه‌های کارشناسی، به سراغ کسانی که جزء نخبه‌های مجسمه‌سازی هستند، بروند و به آنها سفارش کار دهند. همچنین با ترسیم دوزنمایی از هنر کشور به پرورش استعدادهایی که الان در ابتدای راه هنری خود هستند همت گمارند تا در آینده شاهد پرورش نخبه‌های قابلی در هنر مجسمه‌سازی باشیم.

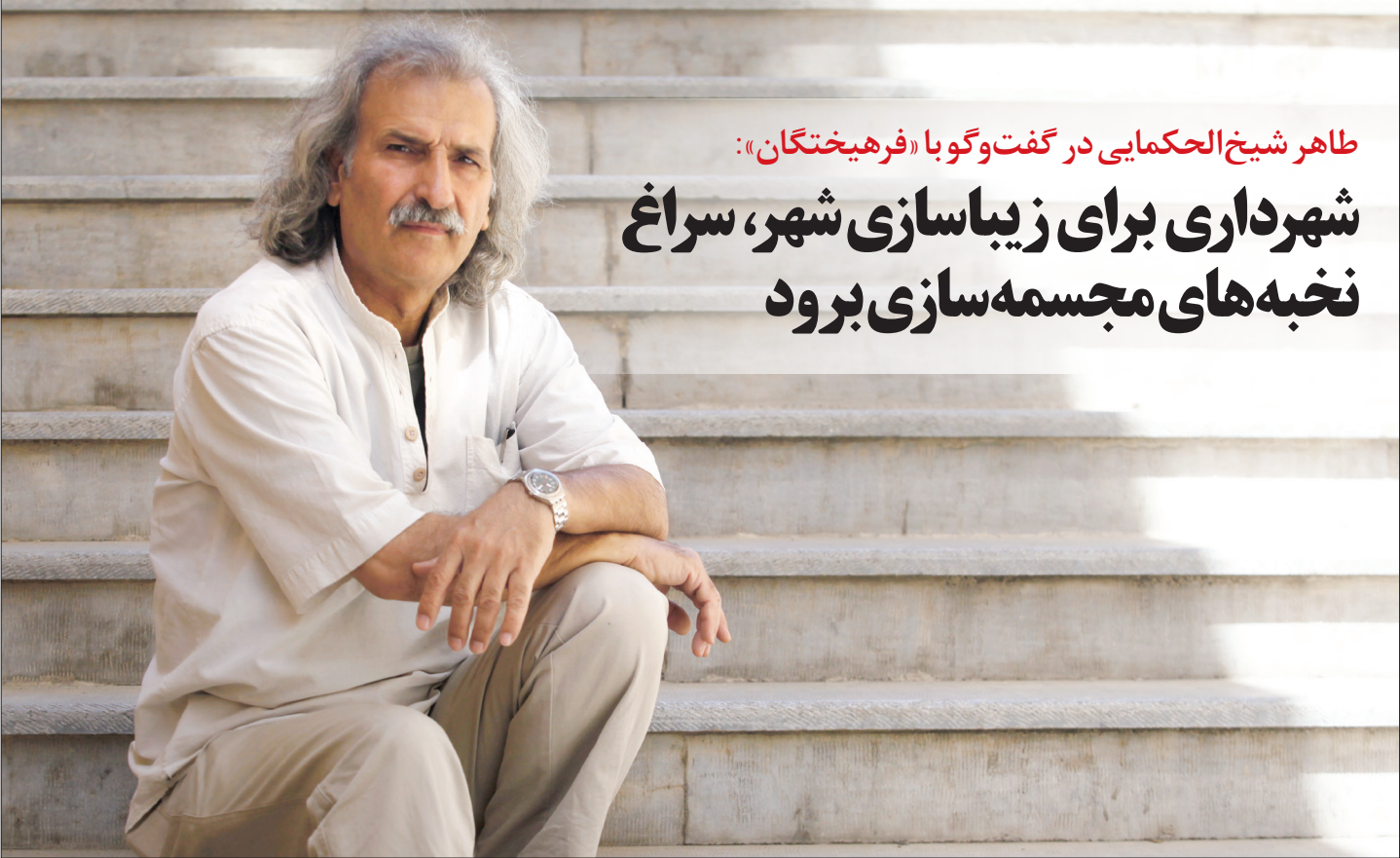
در رابطه با شکل‌گیری بیش از اندازه جشنواره‌ها و سمپوزیوم‌هایی که وجود دارد چه نظری دارید و چقدر آنها را در رشد کاری هنرمندان مفید می‌دانید؟

هر چقدر برنامه‌های این‌چنینی در طول سال داشته باشیم یا در زمینه تولید کار قدم برداریم باز کم است. استمرار برنامه‌ریزی و اهداف بلندمدت در جشنواره‌ها باید از ابتدا مدنظر قرار گیرد تا با نقشه راه به موفقیت دست پیدا کنیم. با توجه به اینکه روزبه‌روز افراد بیشتری به عرصه هنر کشور وارد می‌شوند هر چقدر این گونه برنامه‌ها افزایش پیدا کند برای جامعه هنری بهتر است. نفس برگزاری این برنامه‌ها خوب است ولی باید با هدف‌گذاری درست صورت بگیرد تا شاهد خروجی کاربردی آن باشیم. بدون شک برگزاری بی‌پنال‌ها، سمپوزیوم‌ها و جشنواره‌ها باید وجود داشته باشد. باید سعی کرد در کنار برگزاری آنها از حضور افرادی که منتقد هستند نیز استفاده کرد تا با نظرات کارشناسی خود به بررسی هر چه بهتر آثار بپردازند. بررسی نتایج اینکه چقدر این گونه برنامه‌ها در جامعه هنری مفید و موثر بوده هم از موارد دیگری است که باید مدنظر داشته باشیم. در این میان پروسه انجام یک جشنواره با بی‌پنال را باید بعد از اختتامیه بررسی کرد که چه خروجی‌ای داشته است. نکته دیگری که لازم است بگویم اینکه گاهی اوقات آنطور که باید حقوق مادی و معنوی هنرمندان در جشنواره‌ها رعایت نمی‌شود. به نظر اگر می‌خواهیم هنر مجسمه‌سازی پیشرفت کند باید از حضور افرادی از جنس خود هنر و دارای تجربه کافی استفاده کرد. باید سعی شود فارغ از منافع شخصی به مصلحت هنر بیندیشیم و تلاش کنیم برای هنرمندان زمینه‌های کاری را بیش از پیش فراهم کنیم تا در آینده شاهد خروجی و کیفیت هر چه بهتری از آنها باشیم.

تجربه حضور در بی‌پنال‌ها و جشنواره‌های معتبر خارجی را در کسوت هنرمند و کارشناس هنری داشته‌اید. فکر می‌کنید هنر مجسمه‌سازی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر در چه جایگاهی قرار دارد؟
مجسمه‌سازی برخلاف هنرهای دیگری مثل کاریکاتور، فیلم و موسیقی که در دنیا جایگاه بسیاری خوبی داریم و هنرمندان ما توانسته‌اند موفقیت‌های چشمگیری کسب کنند، هنوز برای رسیدن به جایگاهی مناسب و در شأن کشورمان فاصله دارد و شرایط سخت‌تری را باید پشت سر بگذارد. به لحاظ آماری در سال‌های اخیر تعداد

طاهر شیخ‌الحکمایی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

شهرداری برای زیباسازی شهر، سراغ نخبه‌های مجسمه‌سازی برود



معنوی آن بر زندگی مردم سایه افکنده بدون شک هنرمندان هم از آن الهام می‌گیرند و دست به تولید آثاری می‌زنند که متناسب با ارزش‌های انقلاب است. در هنر مجسمه‌سازی این سال‌ها نیز شاهد تندیس‌ها و پرتره‌های بسیاری از شخصیت‌های تأثیرگذار انقلاب هستیم که در اماکن عمومی نصب شده‌اند یا آثار بسیاری با موضوعات رویدادهای جهان اسلام از جمله مسائل منطقه ساخته شده‌اند. از این حیث هنرمندان ما در اتفاقات اجتماعی و زنده نگه‌داشتن گفتمان انقلاب همواره در صف اول حرکت کرده و جریان‌ساز بوده‌اند.

آینده مجسمه‌سازی در ایران را چطور می‌بینید و فکر می‌کنید نقش سازمان‌های هنری و دانشگاه‌ها در این خصوص چگونه است؟

مجسمه‌سازی در قرن اخیر در جامعه ما فعال شده اما قبل از آن اسمی از این هنر نبوده است. البته در این مدت زمان کوتاه، شاهد رشد خیلی خوبی بوده‌ایم ولی باید اقدامات بهتری را در استفاده از هنرمندان پیشکسوت این حوزه انجام دهیم. بدون شک نقش سازمان‌هایی مثل حوزه هنری یا دانشگاه‌ها در پیشبرد اهداف و فراهم کردن فضایی برای یادگیری و تولید آثار هنری بسیار تأثیرگذار است. اگر می‌خواهیم این هنر در میان جامعه مورد توجه قرار گیرد باید به گسترش رشته‌های دانشگاهی و افزایش دانشگاه و پذیرش دانشجو فکر کنیم. در کنار آن باید سعی کرد حمایت‌های لازم را توسط دولت فراهم آورد تا چرخه اقتصاد هنر مجسمه‌سازی به حرکت درآید. در این مسیر نقش رسانه‌ها به‌عنوان ابزار آگاه‌سازی جامعه باید بیش از پیش نمایان شود. باید در مقام مطالبه‌گری از مسئولان بخواهیم که چرا هنرمندانی که سال‌ها در این عرصه افتخارات جهانی کسب کرده‌اند الان نباید هیچ اسمی از آنها باشد و در گوشه‌ای مشغول فعالیت‌های شخصی خود باشند.



بردارند. بدون شک این گونه برنامه‌ها در سطح جهانی ارزش افزوده‌ای برای هنر ما محسوب می‌شود و هنرمندان را به هنر جهانی نزدیک‌تر می‌کند و راهی را که باید در زمان طولانی‌تری طی کنیم کوتاه‌تر می‌کند.

معمولاً مجسمه‌سازان در مقایسه با سایر هنرمندان تجسمی، نمایشگاه‌های کمتری را در طول سال برگزار می‌کنند. دلیل خاصی دارد؟

پروسه تولید و ساخت یک مجسمه به زمان طولانی‌تری نیاز دارد. به واقع هنر مجسمه‌سازی جزء یکی از هنرهای پرهزینه است و نیاز به متریاال‌هایی دارد که هر کدام هزینه انجام یک کار را بالا می‌برد در صورتی که در سایر هنرهای تجسمی ما شاهد هستیم هنرمندان با مبالغ خیلی کمتری کار خود را پیش می‌برند و وقتی هزینه تولید یک اثر هنری پایین باشد، قیمت نهایی آن نیز برای مخاطب قابل قبول‌تر است و راحت‌تر خرید می‌کند؛ در حالی که با توجه به هزینه‌های بالایی که ساخت یک مجسمه دارد، ممکن است هنرمندان مجسمه‌ساز نتوانند آن‌طور که باید در نمایشگاه‌های شخصی خود فروش داشته باشند. به نظر برای اینکه هنر مجسمه‌سازی در زندگی مردم وارد شود باید علاوه‌بر کمک‌های دولتی سعی کرد ذائقه مردم را نیز به سمت هنر مجسمه‌سازی تغییر داد.

شاهد تعداد خانم‌های مجسمه‌ساز کمتری در مقایسه با مجسمه‌سازان آقا هستیم که در این حوزه فعالیت می‌کنند. فکر می‌کنید دلیلش چیست؟

البته خیلی اعتقادی به این موضوع ندارم. در مدتی که در دانشگاه حضور داشتم و دانشجویهای مختلف را برای رشته مجسمه‌سازی گزینش می‌کردم نکته جالبی که می‌دیدم اشتیاق خانم‌ها برای تحصیل در این رشته بود که گاهی بسیار بیشتر از آقایان بود. از ۱۰ نفر ورودی که پذیرش می‌کردیم سه نفر مرد و بقیه خانم بودند که از این نظر آمار قابل توجهی بود. حتی فکر می‌کنم در سال‌های آینده نیز این تعداد به مراتب بیشتر شود. البته باید بازار کار و حمایت از آنها نیز مهیا باشد تا بعد از فارغ‌التحصیلی شاهد کنار گذاشتن این رشته توسط این دانشجویهای مستعد نباشیم. باید در نظر داشت که کار هنر نیازمند صرف زمان و کسب تجربه است. بنابراین به همین راحتی نمی‌توان به پله‌های موفقیت دست پیدا کرد و یک مجسمه‌ساز حرفه‌ای شد. باید به موازات تحصیل آکادمیک سعی کرد تجربه‌های متنوعی را در ساخت مجسمه به دست آوریم. شاید در این مسیر کمبود کارگاه‌ها و بازار کار محدود، انگیزه هنرمند را کاهش دهد ولی دلیلی بر آن نیست که از اراده هنرمند کم شود.

در مجسمه‌سازی فعلی، چقدر توجه به موضوعات ارزشی، مسائل اجتماعی و... در آثار هنرمندان دیده می‌شود؟

هنرمندان ما در شرایطی زندگی می‌کنند که بی‌تأثیر از اتفاقات و رویدادهایی که در اطراف‌شان می‌گذرد، نیستند. مطمئناً وقتی در کشوری انقلابی زندگی می‌کنید که فضای

